**قرآن و ادب فارسی / برخی از اصطلاحات قرآنی در زبان فارسی**

پدید آورنده : کرم الله تمری ، صفحه 62

|  |
| --- |
| در اثر نفوذ فرهنگ قرآنی در زندگی و گفتگوهای مسلمانان، واژگان و اصطلاح های متعددی از متن و مفاهیم قرآن به جریان زندگی مردم وارد شده است برخی از این تعابیر عیناً و برخی با برگردان فارسی بر زبان مردم جاری می شود که نمونه هایی از آن در پی می آید:  فاتحه خواندن: فاتحه نام سوره مبارکه حمد است اما در اصطلاح، به پایان کار یا خواندن سوره فاتحه برای مردگان اطلاق می شود.  بارک الله: برگرفته از آیه «فتبارک الله احسن الخالقین» (سوره مؤمنون،آیه 14) است که در پایان آیات مربوط به مراحل خلقت انسان آمده است و در مقام تحسین و تمجید افراد به کار می رود.  کن فیکون شدن: برگرفته از آیه 40 سورۀ نحل دربارۀ اراده الهی است که (هر چه را بگوید: باش، پس می باشد.) «إنّما قولنا لشی إذا أردناه أن نقول له کن فیکون» لکن کاربرد این عبارت در موارد ویرانی، بی نظمی و از هم پاشیدگی می باشد درحالی که عبارت قرآنی بر قطعی و آنی بودن اراده و فضل الهی دلالت می کند.  ما شاء الله: یعنی آنچه خدا بخواهد و از آیه 39 کهف گرفته شده «ولولا إذ دخلت جنّتک قلت ما شاء الله لا قوّة إلا بالله إن ترن انا أقلّ منک مالاً و ولداً»، چرا چون وارد باغت شدی نگفتی هرآنچه خدا خواهد و هیچ قدرتی مگر با لطف خدا نیست.  این عبارت در مقام توکل بر خدا یا تحسین و سپاس گزاری نعمت به کار می رود.  نور علی نور: اگر کار یا چیز خوبی به همراه یک خوبی دیگر بیاید یا فرد دارای وضو دوباره وضو بگیرد این عبارت را به کار می برند که مربوط به آیه 35 سورۀ نور است.  وان یکاد خواندن: از آیه معروف ذیل است:  «وان یکاد الذین کفروا لیزلقونک بابصارهم لما سمعوا الذّکر ویقولون انّه لمجنون وما هو الا ذکر للعالمین» (سوره قلم، آیات 51 و52) (واگرچه نزدیک بود کافران وقتی قرآن را شنیدند به تو چشم زخم برسانند و تو را مجنون بشمارند ولی خداوند نگذاشت درحالی قرآن جز پندی برای جهانیان نیست) و برای مقابله با چشم زخم و انجام موفق کارها به این آیه متوسل می شوند.  هباء منثورا: به معنی غبار پراکنده و مأخوذ از آیه 23 سورۀ فرقان که می فرماید: «وقدمنا الی ما عملوا من عمل فجعلناه هباء منثورا» (و به هر عملی که کرده اند روی آوریم و آن را هیچ و پوچ گردانیم) این تعبیر را برای کاری که بی نتیجه باشد و یا به مفهوم هیچ و پوچ و بر باد رفته به کار می برند.  خسر الدنیا والاخره: مربوط به آیه 11 سورۀ حج که می فرماید: «برخی از مردم خدا را بر کناره راه عبادت می کنند. پس اگر خیری به ایشان رسد بدان دل سپرند و چون سختی رسد از سر عدم رضایت روی برگردانند، اینان دنیا و آخرت را باخته اند...»  این عبارت برای کسی گفته می شود که عملش نه سود مادی دارد و نه نفع معنوی  به درک اسفل: تعبیری منفی و توبیخ آمیز است مانند «به جهنم»، مأخوذ از آیه 145 سورۀ نساء: «انّ المنافقین فی الدّرک الاسفل من النّار» (منافقان در طبقه زیرین جهنم جای دارند) و در جایی به کار می رود که علی رغم اصرار، از پذیرش موضوع یا قبول کاری توسط طرف مقابل نا امید شوند.  باقیات الصالحات: در مورد کارهای نیکو و ماندگار و اثر بخش گفته می شود و در دو آیه از قرآن از جمله آیه 46 سورۀ کهف به کار رفته است: «والباقیات الصّالحات خیر عند ربک ثواباً و خیر املاً» (وکارهای ماندگار شایسته نزد پروردگارت خوش پاداش تر و امید بخش تر است). |